

گزارش

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سؤال «شرق» تأیید کرد:

از پایگاه آمریکا در آلمان علیه ایران استفاده شده است

وحیده کریمی؛ سخنگوی وزارت خارجه ایران در نشست خبری هفتگی خود به موضوعات مهمی از جمله تحولات منطقه‌ای، مذاکرات هسته‌ای و تحرکات دیپلماتیک پرداخت. او ضمن هشدار به کشورهای غربی درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تأکید کرد که ایران با توجه به مصوبه مجلس، شیوه‌نامه جدیدی را برای ادامه همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تدوین خواهد کرد. درباره استفاده آمریکا از پایگاه رامشتاین در آلمان برای عملیات علیه ایران، سخنگوی وزارت خارجه تأکید کرد که ایران شواهد و گزارش‌هایی از استفاده این پایگاه برای حملات علیه شهروندان ایرانی دارد و اصول حقوق بین‌الملل اجازه نمی‌دهد کشوری پایگاه خود را در اختیار کشوری دیگر برای اقدامات تجاوزکارانه قرار دهد. سخنگوی بدستگاه دیپلماسی ایران دیروز در نشست هفتگی خود با اشاره به تحولات دیپلماتیک روزهای اخیر تصریح کرد: «به موازات ادامه‌یافتن جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و کرانه باختری، کماکان موضوع نسل‌کشی در فلسطین اشغالی مهم‌ترین موضوع بین‌المللی و منطقه‌ای است». او افزود: «ما شاهد ادامه‌یافتن جنایات رژیم صهیونیستی از طریق بمباران مردم مظلوم فلسطین و استفاده از سلاح گرسگی و تشنگی برای پیشبرد طرح نابودی فلسطین به عنوان یک هویت، ملت و سرزمین هستیم. در روزهای اخیر وزارت امور خارجه (ایران) راپزنی‌های بسیاری با کشورهای منطقه انجام داد تا اجماع منطقه‌ای برای کمک‌رسانی به مردم غزه و توقف نسل‌کشی در فلسطین اشغالی ایجاد شود». بقایای در این زمینه تصریح کرد: «وزیر امور خارجه با تعداد بسیاری از وزرای خارجه کشورهای منطقه‌ای و کشورهای اسلامی و مقامات سازمان همکاری اسلامی راپزنی و صحبت کردند. تلاش ما این است که یک نشست اضطراری سازمان همکاری اسلامی برگزار شود تا درباره توقف جنایات و کمک‌رسانی فوری به مردم فلسطین چاره‌اندیشی کنیم». او با اشاره به سیاست رژیم صهیونیستی برای استفاده از اقلام اساسی و غذا به عنوان یک سلاح و وقوع قطعی در باریکه غزه تأکید کرد: «این یک جنایت جنگی است که با تمام قوانین بین‌المللی مغایرت دارد. در قرن بیست‌ویکم، چنین نسل‌کشی‌ای یک وضعیت کاملاً بی‌سابقه است.

بقایای در ادامه و با اشاره به گفت‌وگوهای ایران و اروپا در استانبول افزود: «در حوزه مذاکرات، روز جمعه با سه کشور اروپایی مذاکراتی انجام شد».

سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سؤال «شرق» مبنی بر اینکه «دادگاه قانون اساسی آلمان در ۱۵ جولای ۲۰۲۵ شکایت دو یمنی را که خواهان توقف استفاده از پایگاه رامشتاین برای حملات پهلادی آمریکا در یمن بودند، رد و اعلام کرد آلمان مسئولیتی در قبال استفاده آمریکا از پایگاه رامشتاین برای عملیات‌های پهلادی در سائر کشورها ندارد. با توجه به اینکه از قبل شواهدی مبنی بر استفاده از ایین پایگاه برای حمله به برخی اهداف ایران مطرح بوده است، نظر شما درباره این رای چیست؟»، گفت: اصولاً به موجب مقررات بین‌الملل در اختیار گذاشتن سرزمین یا امکانات یک کشور برای استفاده توسط کشور دیگر علیه دولت‌های منع شده است. او افزود: «از سال‌ها پیش در این مورد گزارش‌ها و شواهدی وجود داشته که از پایگاه مورد استفاده آمریکا چنین اقداماتی انجام شده است، از جمله علیه برخی شهروندان ایرانی». بقایای تأکید کرد: «بخش حقوقی وزارت خارجه در حال بررسی این رای و نکات آن است». او ادامه داد: «این رای دارای خدشه است، به دلیل اینکه اصولاً به موجب حقوق بین‌الملل در اختیار گذاشتن سرزمین برای استفاده توسط کشور دیگر علیه ثالث مجاز نیست. کشوری که پایگاه خود را آگاهانه در اختیار کشور دیگری قرار دهد تا برای سازماندهی و اجرای اقدامات تجاوزکارانه علیه کشور دیگر استفاده شود، نمی‌تواند از مسئولیت شانه خالی کند و به نوعی همدست کشور متجاوز است».

موضع ایران در قبال تغییر مرزهای ژئوپلیتیک در قفقاز جنوبی، ثابت است

او در پاسخ به پرسشی درباره گزارش‌های منتشرشده درباره تحولات انجام‌شده در منطقه قفقاز جنوبی گفت: «موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تغییر مرزهای ژئوپلیتیک و تحولات قفقاز تغییری نکرده است. اساساً دو موضوع مطرح است: یک موضوع، صلح و حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان است». بقایای افزود: «ایران همواره بر تسریع امضای توافق صلح تأکید کرده است. عقب‌افتادن این روند مفید نیست و می‌تواند به شکل‌گیری تنش‌های تازه منجر شود». سخنگوی دستگاه دیپلماسی ایران در ادامه تأکید کرد: «در موضوع مسیرهای ترانزیتی و حمل‌ونقلی، ایران از ایجاد چنین مسیرهایی حمایت کرده است. چنین اقداماتی در توسعه همکاری اقتصادی کشورها مفید است. اما این مسیرها هرگز نباید با تمامیت سرزمینی دولت‌ها مغایرت داشته باشد». او با اشاره به خواست ورود بازیگران فرامنطقه‌ای به منطقه قفقاز جنوبی تصریح کرد: «ورود چنین بازیگرانی به توسعه کشورهای منطقه کمکی نخواهد کرد و موضع خود را اعلام کرده‌ایم. در این موضوع توافقاتی وجود دارد. شایعه‌های مطرح‌شده درباره مشارکت کشورهای فرامنطقه‌ای از طرف بازیگران منطقه‌ای رد شد. اما ایران با دقت این موضوع را رصد می‌کند و با هر دو کشور در ارتباط نزدیک است».

در استانبول فقط به مسئله هسته‌ای رفع تحریم‌ها پرداخته شد

بقایای در پاسخ به پرسشی درباره گمانه‌زنی‌هایی درباره نتیجه مذاکرات ایران و اروپا تأکید کرد: «در طول مذاکرات با اروپا، هیچ موضوعی جز مسئله هسته‌ای رفع تحریم‌ها مطرح نشد. منتشرشدن روایت از سوی کشورهای اروپایی، غیرطبیعی نیست. روایت اروپا، روایت ایران نیست. طرف‌های اروپایی صلاحیت استفاده از مکانیسم موسوم به سازوکار پس‌گشت (ماشه) را ندارند و ایران مواضع خود را اعلام کرده است». او در پاسخ به تهدید سران کشورهای اروپایی درباره فعال‌سازی مکانیسم ماشه و احتمال خروج ایران از آن‌بی‌تی در برابر فعال‌سازی این سازوکار تصریح کرد: «طرف‌های اروپایی مدت‌هاست تلاش کردند از میخنی که در قطع‌نامه ۲۲۳۱ وجود دارد به عنوان یک اهرم فشار مذاکراتی استفاده کنند. ایران تأکید کرده که این ابزار کارایی ندارد.

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ پس از پایان جنگ ۱۲روزه،

فضای سیاست خارجی ایران دچار نوعی ابهام شده است. نه‌تنها مسیر مذاکرات با آمریکا همچنان نامشخص و پر از چالش باقی مانده، بلکه کانال‌های گفت‌وگویی مانند مذاکرات استانبول نیز عملاً از ارانه افق روشن برای روابط ایران و اروپا ناتوان بوده‌اند.

این وضعیت، نشانه‌ای از ناهماهنگی در راهبرد سیاست خارجی تهران است. از سوی دیگر، روابط پرتنش ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مزید بر علت شده است. تهران از یک سو می‌کوشد استقلال راهبردی خود را حفظ کند و از سوی دیگر تحت فشار تحریم‌ها به دنبال گشایش‌هایی در مناسبات

دیپلماتیک است. اما تفاوت نگاه‌ها در سیاست‌گذاری خارجی موجب شده ایران در وضعیت خاص راهبردی قرار گیرد. در این میان تهدیدهای مکرر اروپا به فعال سازی مکانیسم ماشه نیز همچنان بر سر دیپلماسی ایرانی سنگینی می‌کند. این شرایط اگر تداوم یابد، نه‌تنها فرصت‌های دیپلماتیک را از بین می‌برد، بلکه هزینه‌های اقتصادی و ... برای کشور در پی خواهد داشت. شفاف‌سازی راهبردها و یکدست‌سازی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ضرورتی فوری است، از همین‌رو به بسرای واکاوی دقیق‌تر وضعیت جاری، سراغ حشمت‌الله فلاح‌پیشه رفتیم تا ارزیابی این استاد دانشگاه و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم را جویا شوید. متن پیش‌رو حاصل گفت‌وگو با این تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل است.

●●●

جناب فلاح‌پیشه، می‌خواهم محوریت گفت‌وگو را مشخصاً روی آسیب‌شناسی موجود سیاست خارجی ایران پس از جنگ ۱۲روزه باشد. از این منظر که به‌تازگی عراقی عنوان کرده در «وینکاف» همیشه و به صورت مستقیم، از طریق فضای مجازی تبادل پیام دارم و این اختیار به من داده شده است. اما هم‌زمان اسماعیل بقایا، سخنگوی وزارت امور خارجه، تصریح می‌کند که به‌زودی مذاکراتی با آمریکا نداریم و هر وقت منافع ایران اقتضا کند، تصمیم می‌گیریم و اعلام می‌کنیم. واقعا این میزان از تضاد موضع که بدون شک یک وضعیت خارجی مجلس دهم را جویا شوید، چگونه قابل تحلیل است؟ می‌شود که وزیر امور خارجه با مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی به صورت همیشگی و مستقیم در ارتباط باشد، اما سخنگو می‌گوید هنوز مذاکراتی در دستور کار نیست؟

بدون تعارف و صریح می‌گویم سیاست خارجی در ایران همواره گرفتار فرافکنی و شعاع‌زدگی بوده است. کما اینکه به جز آمریکایی‌ها، بیشترین وقت‌کنشی دیپلماتیک در تاریخ سیاست خارجی در مذاکرات با اروپا انجام شد و مطمئن باشید اروپا در این دوره پس‌انگ ۱۲روزه نقش بازجوی آمریکا را برعهده گرفته است و یقین داشته باشید مکانیسم ماشه بدون چراغ سبز و اطلاع آمریکا از سوی اروپا فعال نمی‌شود. در حالی که شما هفته گذشته و پیش از آغاز مذاکرات استانبول دیدید که مقامات وزارت امور خارجه یک هفته تمام دست به مصاحبه، سخنرانی، موضع‌گیری زده. اما دیدید که بعد از روز جمعه، اتفاقی برای روابط ایران و اروپا رخ نداد و هیچ اثری در کاهش تنش‌ها نداشت و هیچ بنیان دیپلماتیک، حقوقی و فنی‌ای را پی‌ریزی نکرد.

یک موضوع مشخص مناسبات با واشنگتن است، اروپا به جای خود...

من از آن رو مذاکرات روز جمعه با اروپا را مطرح کردم که می‌تواند مؤید دیگری بر وضعیت خاص سیاست خارجی این روزهای کشور باشد. وگرنه به گفته شما نمی‌شود وزیر امور خارجه به صورت همیشگی و مستقیم با مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی در ارتباط باشد، اما مذاکره‌ای در کار نباشد؛ چون صمیمی‌ترین دوستان هم هر روز با هم در ارتباط نیستند و جویای احوال هم نخواهند بود. پس وقتی عراقی می‌گوید که به صورت همیشگی و مستقیم با وینکاف در ارتباط است، قطعاً درمورد مسائل متعدد، اختلاف‌ها، چالش‌ها و بحران‌های جاری در روابط ایران و آمریکاست که این اختیار به عراقی داده شده است. حالا این سؤال وجود دارد که وقتی این اختیار به وزیر داده شد تا این کانال ارتباطی حاقلی بعد از جنگ ۱۲روزه حفظ شود و اصطلاحاً یک خط ارتباطی قرمز به وجود آید که از تضاد بحران جلوگیری کند، چرا نباید مذاکرات کلید بخورد که بحران را به کل حل کند.

شاید آغاز مذاکرات و برداشتن یک پله بالاتر نیازمند برخی تمهیدات و تضمین‌هایی است که هنوز فراهم نیست؟ وقتی اجازه تماس هست، چرا اجازه مذاکره نیست؟ چون مذاکره کماکان تابو است. اجازه دهید به مذاکرات اروپا بازگردم. از گذشته جریان‌های رادیکال در داخل کشور مذاکره را به یک تابو تبدیل کرده‌اند و این باعث شده ایران بزرگ‌ترین فرصت‌سوزی‌های تاریخ دیپلماسی جهان را در مذاکرات با غرب به نام خود ثبت کند. اگر بعد از جنگ تحمیلی هشت‌ساله، ساعات مذاکرات بین ایران با غرب را جمع ببنیم، بیشترین و پرجمع‌ترین مذاکرات

واکاوی وضعیت مبهم سیاست خارجی در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاح‌پیشه

اروپا؛ بازجوی آمریکا در مذاکرات با ایران



بین ایران و غرب شکل گرفت که به نتیجه نرسید که در تاریخ بین‌الملل تقریباً بی‌سابقه است. برای مثال در دوره سیدمحمد خاتمی، با وجود آنکه رئیس‌جمهور به دنبال سیاست تنش‌زدایی بود و اصل تنش‌ها هم با آمریکا بود، اما هشت سال مذاکره با اروپا در دولت اصلاحات ادامه پیدا کرد و اروپا نیز با سازوکاری به نام «گفت‌وگوی انتقادی» ما را در یک دام دیپلماتیک قرار داد و زمان دیپلماسی باز خاتمی برای تنش‌زدایی با آمریکا از دست رفت. در نهایت هیچ دستاوردی هم برای ما نداشت و بعد از آن هم با روی کار آمدن بوش، ایران به عنوان بخشی از محور شرارت اعلام شد.

پس همان‌گونه که شما آن انتقاد را مطرح کردید، من هم این سؤال را دارم که مقامات وزارت امور خارجه با علم به اینکه در مذاکرات، اروپایی‌ها قدرت و توان انجام هیچ کاری را ندارند و نتوانستند حتی آب‌باریکه اینستکس را به نتیجه برسانند، اکنون در مذاکرات استانبول به دنبال چه هستند؟ مطمئن باشید که اروپایی‌ها اکنون فقط بازجوی آمریکا هستند و چیزی از مذاکرات با اروپا عاید ما نمی‌شود. اکنون اروپا برای اعاده حیثیت خود وارد مذاکره شده و نقش بازجوی آمریکا را بر عهده گرفته است و همین اعاده حیثیت، وقت دیپلماتیک طلایی ایران را در تنش‌زدایی با آمریکا می‌کشد. واقعا هیچ منطقی قبول نمی‌کند که اکنون میز مذاکرات مسقط نیمه‌کاره رها شود و سراغ مذاکرات استانبول برویم که از دل آن هیچ سودی برای ایران شکل نخواهد گرفت.

از مسقط و رم تا استانبول شاهد یک تلورانس دیپلماتیک بودیم که در پنج دور مذاکره تهران و واشنگتن، اروپا را کنار گذاشت و اکنون در ترکیه مذاکرات با اروپا و ایران کلید خورده است. این تلورانس هم بر شدت ابهام و سردرگمی در سیاست خارجی ایران بعد از جنگ ۱۲روزه می‌افزاید...

نکته مهمی در سؤال شما وجود دارد که می‌خواهم از زاویه دیگری به آن بپردازم. از منظر من آنچه در پنج سال اخیر در سیاست خارجی روی داد، یک آسیب بود و دیپلماسی کشورمان گرفتار این وضعیت شد.

چطور؟

زمانی که این تحلیل‌های انتقادی از زبان کسانی مانند من مطرح می‌شود، این ادعای تکراری وجود دارد که گویا نقش آمریکا و اسرائیل نادیده گرفته می‌شوند. اما تأکید می‌کنم آنچه در این پنج سال شکل گرفت، یک فتنه اسرائیلی بود. بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، در اولین رسانه‌ای که این مسئله را مطرح کردم، طی گفت‌وگو با شما و در همین روزنامه «شرق» بود. من بارها گفتم که بعد از ۷ اکتبر، یک فتنه اسرائیلی در حال شکل‌گیری است و ایران با هوشیاری باید از این فتنه دوری کند. ما با دو سیاست‌مدار خبیث در تاریخ سیاست خارجی دنیا مواجه هستیم و در عالم سیاست خارجی به‌ندرت پیش می‌آید که دو سیاست‌مدار خبیث با عزم راسخ تجاوزکارانه به این شکل در کنار هم قرار بگیرند و این دو سیاست‌مدار خبیث، بنیامین نتانیاهو و دونالد ترامپ هستند.

پس وقتی تکلیف دشمن روشن است و می‌دانید چنین فتنه‌ای در حال شکل‌گیری است، باید روی سخن انتقادی و سیبل آسیب‌شناسی من به سمت مقامات داخلی کشور و مشخصاً دستگاه سیاست خارجی باشد که چرا در این مدت بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مسیری طراحی نشد که ما از دام فتنه اسرائیل و آمریکا مصون بمانیم؟

آنچه در ایران تابو بود، مذاکره با آمریکا بود، نه توافق با آمریکا و وقتی هم تابوی مذاکرات شکسته شد، واقعا می‌توانستیم در مذاکرات مسقط به نتیجه و توافق نهایی برسیم و گرفتار این فتنه آمریکایی و اسرائیلی نشویم. پس وقتی شما در سؤال نخست موضوع رابطه مستقیم عراقی و وینکاف را مطرح می‌کنید و از سوی دیگر سخنگوی وزارت امور خارجه هنوز تاریخی برای آغاز مذاکرات مطرح نمی‌کند، ناظر به همین اشتباه است و تصور این بوده که در طول این سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، مذاکره با آمریکا تابو است. همیشه این تصور غلط مبنای کار بوده که ما با اهرم مذاکرات غیرمستقیم با آمریکایی‌ها، آنها را تحقیر می‌کنیم. ای‌کاش که ما مذاکرات را با آمریکا مستقیم انجام می‌دادیم و به توافق می‌رسیدیم، اما در فتنه آمریکایی-اسرائیلی گرفتار نمی‌شدیم و کشور در دام جنگ نمی‌افتاد. ما دو تابو داشتیم: یک تابو مذاکرات با کل ساختار حاکمیت آمریکا بود که در دوره ابیاما

شکسته شد و تابوی دوم مذاکره با دولت دونالد ترامپ بود که آن‌هم در مذاکرات مسقط شکسته شد. وقتی این دو تابو شکسته شده است، الان هم بعد از جنگ ۱۲روزه، می‌توانستیم هشتیم. مطمئن باشید از دل این مذاکره در ترکیه، آبی برای ایران گرم نمی‌شود، چون در نهایت اروپا هر کاری که بخواهد انجام بدهد، با دستورالعمل آمریکا خواهد بود.

البته من هم با تحلیل شما هم‌راستا هستم که مذاکرات نهایی در گفت‌وگوی بین تهران و واشنگتن خلاصه می‌شود و طرف‌های اصلی پرونده هسته‌ای ما، ایران و آمریکا هستند، اما همواره یک نگاه بنیابینی هم وجود دارد که می‌شد در کنار میز مذاکره مسقط و رم، میز مذاکره با اروپا را هم کلید زد. به هر حال این اروپا در دولت اول دونالد ترامپ جلوی اقدامات واشنگتن برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه را گرفتند. در کنار آن، دو عضو از سه عضو اروپایی برجام هم عضو دائم شورای امنیت و دارای حق وتو هستند که می‌تواند وزن اروپا را بالا ببرد. پس می‌شد مذاکرات موازی را در دستور کار قرار داد؟

نکته شما تا حدی درست است، اما نقش مثبت اروپا در عدم فعال‌سازی مکانیسم ماشه در دولت اول ترامپ نمی‌تواند توجیه‌کننده نقش مخرب آنها در شرایط کنونی باشد. کمااینکه در طول تمام این سال‌های بعد از خروج دونالد ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸، اروپا نتوانست کوچک‌ترین قدم عملی برای کاستن تحریم‌ها بردارد و حتی بخشی از این عملیات فشار اقتصادی و تحریم‌ها را هم خود اروپایی‌ها برعهده گرفتند. الان هم دوباره تکرار می‌کنم که اروپا در استانبول به دنبال اجرای پروژه فشار آمریکاست و درواقع نقش بازجوی آمریکایی‌ها را در مقابل ایران برعهده گرفته است. در یک مثال، مجموع مناسبات اقتصادی ما با عراق چند برابر مجموع مناسبات اقتصادی ما با ۲۸ کشور اتحادیه اروپایی است. پس می‌پسند که در شرایط کنونی، واقعا وضعیت سیاست خارجی دچار یک ابهام است؛ چراکه کانون‌های بحران را نمی‌بینند و تمرکز توان خود را در مذاکرات با اروپا صرف می‌کنند که نهایتاً خروجی در پی ندارد. من معتقدم اکنون هم جنگ یک واقعیت است و هم مذاکره. اگر قرار است بین جنگ و مذاکره بمانیم، شرایط بدتر می‌شود. برای برون‌رفت از این وضعیت، باید مذاکره با خود آمریکایی‌ها کلید بخورد. گفت‌وگو با دیگر طرف‌ها، از چین و روسیه تا روتینکای اروپا، فقط و فقط وقت‌گذرانی است.

بنابراین حداکثر انرژی که باید برای مذاکره با اروپا گذاشته شود، از طریق سفرای مقیم کشورمان در دولت‌های اروپایی است، نه اینکه وزارت امور خارجه تمرکز و توان دیپلماتیک خود را که باید برای مذاکرات با آمریکا صرف کند، با اروپایی‌ها کار بگیرد که می‌دانیم در عمل، بازجوی آمریکایی‌ها هستند و همان کاری را انجام می‌دهند که ترامپ و کاخ سفید از آنها می‌خواهد. کشوری که بین جنگ و مذاکره در آمد و شد است، نباید دیپلماسی خود را صرف گفت‌وگو با اروپایی‌هایی کند که استقلال عمل ندارند. نباید به گونه‌ای عمل کند که حساسیت‌ها را بر بیشتر کند و در تیررس کشوری مانند آمریکا قرار بگیرد. ما به یک راهبرد جدید نیاز داریم که نه دچار ارباب، ترس و نگرانی باشیم و نه به دنبال جنگ و بازی دوباره در زمین و دام نتانیاهو باشیم.

حالا که به میز استانبول اعتقاد ندارید، کسانی معتقدند در راستای همین نکته شما برای تعریف یک راهبرد جدید، سیاست خارجی باید میانجی‌گران و طرف‌های جدیدی برای میزبانی از مذاکرات با آمریکا تعریف شود که از نامزدهایی مانند چین و نروژ نام برده شده است. خودتان چه کشوری را واجد بهترین شرایط برای مذاکرات با آمریکا می‌دانید؟

قطعاً کشوری دارای بهترین و بیشترین شرایط لازم در زمینه میزبانی از مذاکرات ایران و آمریکاست که برای خود منافع واسطه‌ای تعریف نمی‌کند و به نظر من، خود عمان یا قطر کماکان بهترین گزینه‌ها هستند. درصورتی که چین و نروژ و حتی ترکیه دارای منافع واسطه‌ای هستند. به طریق اولی، روسیه که اصلاً طرف صادقی برای هیچ پروسه دیپلماتیکی بین ایران و غرب نبوده و نخواهد بود. از یک تجربه شخصی خودم درباره نروژ یاد کنم. زمانی که برای پیگیری یک میلیارد دلار توافق تجاری نروژ در دوره برجام به این کشور سفر کردم، به‌وضوح مشاهده کردم که این کشور بعد از خروج دونالد ترامپ از برجام، هیچ‌گونه علاقه و تمایلی برای ازسرگیری مناسبات اقتصادی و تجاری با ایران ندارد. کشوری در این قواره که استقلال سیاسی دیپلماتیک نداشته باشد، قطعاً استاندارد لازم برای میزبانی از مذاکرات را ندارد. ضمن اینکه چینی‌ها، هم به واسطه جنگ و تعرفه‌ها و هم به واسطه مسئله تایوان، بیشترین اختلافات را با آمریکا دارند و آنها هم بیشترین منافع واسطه‌ای را برای خود تعریف کرده‌اند. از کارت مذاکرات ایران و پرونده هسته‌ای ما در راستای منافع خود استفاده می‌کنند. بقیه کشورها هم چنین وضعیتی را کامیابش دارند. بنابراین به نظر من، دوباره باید مذاکرات در خود عمان یا قطر انجام شود.

گزارش

بیانیه تبیینی وزارت اطلاعات نبرد خاموش با ناتوی اطلاعاتی در جنگ تحمیلی ۱۲روزه

وزارت اطلاعات درباره جنگ تحمیلی اخیر بیانیه تبیینی با عنوان «نبرد خاموش با ناتوی اطلاعاتی در جنگ تحمیلی ۱۲روزه» صادر کرد. در بخشی از متن بیانیه تبیینی وزارت اطلاعات نوشته شده است: در ایام اربعین شهدای جنگ تحمیلی ۱۲روزه، با گرامیداشت یاد و خاطره آن گلگون‌گفتان، اعم از شهروندان غیرنظامی، فرماندهان و سربازان نظامی شهید، دانشمندان هسته‌ای، شهدای جامعه اطلاعاتی و سربازان گمنام امام زمان(عج) در وزارت اطلاعات و طلب علو درجات از محضر الهی برای آن شهیدان و با عرض تبریک و تسلیت به بازماندگان شهدا و استعای صبر و اجر از درگاه احدیت برای آنها و نیز با لبیکي مجدد و از سویدای دل و عبق وجود به رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) و به‌ویژه هفت تکلیف راهبردی ابلاغی اخیر معظم‌له، به استحضار ملت بزرگ و سرافراز ایران اسلامی می‌رساند: تمهیدات و تدارک این جنگ علاوه بر فراهم‌آوردن مقتضیه نظامی و تسلیحاتی، مشتمل بر زمینه‌سازی‌های ترکیبی از جمله تلاش برای انجام مذاکرات، سوءاستفاده از شنون برخی سازمان‌های بین‌المللی با متهم‌سازی دروغین - تا ناچونمردانه جمهوری اسلامی به خطای از تعهدات هسته‌ای، صدور قطع‌نامه ناموجه و غیرقانونی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران، بمباران شدید تبلیغاتی، عملیات روانی و جنگ شناختی و ادراکی توسط جریان مسلط رسانه‌ای نظام سلطه و دیپلمات‌های غربی، بهره‌گیری همه‌جانبه از آخرین دستاوردهای فنی و فناوری‌های هوشمند سنسنگ، پرتاکون و کلان‌شرکت‌های آمریکایی، غربی و صهیونی وابسته، در زمینه‌های ماهواره‌ای، سایبری، رادیاپی سیگنالی، شود مخابراتی و اینترنتی، محاسبات کوانتومی و هوش مصنوعی،تصویربرداری پیشرفته هواپیما، شبکه‌سازی‌های اجتماعی و... بوده است. در بخشی دیگر از بیانیه آمده است: جریان صهیونی-آمریکایی با غفلت از واقعیات و حقایق محنه و براساس انگاره‌ها، محاسبات و راهبرددردازی‌های تحلیلگران مادی‌گرای غربی و اخبار دروغ و توهمات ضدانقلاب ایرانی، با این تصور ابلهانه و باطل که برای براندازی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام و هویت تمدنی ایرانی و اسلامی می‌توانند از مدل‌های براندازی آمریکایی-مبتنی بر «راهبرد جنگ جهانی» استفاده کرده، کشور و سازمان کهنای مقاومت را به رانو درآورده و به تسلیم بکشاند، وارد صحنه شدند اما با قدرت پولادین ایمان و اراده ملت بزرگ ایران و اقتدار نیروهای مسلح، کارآزموده و شجاع جمهوری اسلامی، تحت حوربیر باصلابت فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خاتمه‌ای مدظله‌العالی، زمین‌گیر و مقهور شدند. در این طراحی جنگی، علاوه بر جنایات آشکاری همچون هدف قراردادن جمعی از فرماندهان نظامی و دانشمندان و تأسیسات هسته‌ای و سامانه‌های پدافندی و آسیب به مجتمع‌های مسکونی و شهاده غیرنظامیان و...، دشمن به دنبال فعال‌کردن اشارار، تروریست‌های رنگارنگ در پوشش‌های مختلف، فعال‌کردن مأموریت جاسوسان مترصد، انجام عملیات ترسور و خرابکاری و به صحنه کشاندن مزدوران، تفرقه‌های سلطنت‌طلب، ارادان و ابواش، کانون‌های شورشی و هسته‌های خفته منافقین در راستای التهاب‌آفرینی، تحریک ناراضیاتی‌ها و اعتراضات صنفی و تبدیل شرایط به موقعیت اغتشاش و آشوبگری‌های افسارگسیخته خیابانی نیز بود.

علی‌الله‌علیه‌السلام

نسیاه حضرت محمد رسول الله تهران بزرگ

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰

۴۰۰